

ER1] Commented: تغییر عنوان انجام شد.

سبک زندگی خانوادگی غرب و نقش آن در کاهش فرزندآوری جامعه ایرانی

چکیده

بی تردید جمعیت هر کشوری به عنوان قدرت و سرمایه ملی آن کشور محسوب شده و در پیشرفت و توسعه آن تأثیر به سزایی دارد و از آن جا که جمعیت هر کشوری عامل مهمی برای رشد اقتصادی و فرهنگی آن کشور می باشد اما بررسی های آماری حاکی از روند نزولی جمعیت است. از سوی دیگر عوامل مختلفی از جمله اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره توانسته بر کاهش تمایل خانواده ها به فرزندآوری تأثیرگذار باشد و از آن جایی که در سال های اخیر دسترسی مردم به انواع ابزارهای ارتباطی مانند ماهواره و فضای مجازی سبب نفوذ سبک زندگی و فرهنگ غربی در لایه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی زندگی آنان شده؛ سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا سبک زندگی غربی می تواند به عنوان یکی از این عوامل تأثیرگذار بر کاهش فرزندآوری مورد بررسی قرار گیرد؟ لذا این پژوهش با روش توصیفی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای درصدد است تا نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری در جامعه را بررسی نماید. نتایج تحقیق نشان داد که فردگرایی و نفع گرایی، لذت گرایی و رفاه فردی، مصرف گرایی و تجمل گرایی، تضعیف باورهای دینی و سکولاریسم، اشتغال زنان، ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه ی مادری که از مهم ترین شاخصه های سبک زندگی غربی قلمداد شده اند؛ تأثیر مستقیمی بر کاهش فرزندآوری داشته و با شناخت و مدیریت آسیب های ناشی از این سبک زندگی می توان از روند نزولی جمعیت کشور جلوگیری نمود.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، سبک زندگی غربی، کاهش جمعیت

ER2] Commented: حذف عبارت زیر انجام شد.

جمع آوری اطلاعات این مقاله به شکل کتابخانه ای بوده و شیوه ی نگارش نیز به شکل توصیفی است.

ER3] Commented: خواسته بودید که در صورت امکان

نظرات مقام معظم رهبری اضافه گردد که با توجه به عنوان امکان اضافه شدن وجود نداشت.

مقدمه

بی تردید یکی از بحران‌های پیش روی کشور، بحران کاهش جمعیت و فرزندآوری است. جمعیت یک جامعه، یکی از عناصر قدرت هر کشور و عاملی مهم در رشد و اعتلای فرهنگ و اقتصاد آن کشور است. به همین سبب اگر جمعیت کشوری به سمت پیری برود و تدابیری برای افزایش جمعیت اندیشه نگردد؛ به زودی با مشکلات عدیده‌ای همچون نیاز به کار اتباع بیگانه برای تولید، کاهش رونق اقتصادی، تضعیف اقتدار نظامی و امنیتی و غیره مواجه خواهد شد. از سوی دیگر باید در نظر داشت که فرزندآوری یک پدیده‌ی صرفاً فردی نیست که منوط به انتخاب شخصی زوجین باشد، بلکه به مثابه یک پدیده اجتماعی از سوی عوامل متعدّد و متنوعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این عوامل شامل دسته‌ای از مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی، سیاسی و... است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، نفوذ سبک زندگی و فرهنگ غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زوجین است. اما چگونه سبک زندگی غربی می‌تواند با تأثیر بر نگرش زوجین در کاهش فرزندآوری دخیل باشد؟ لذا این پژوهش درصدد است مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی غربی که تأثیر مستقیمی بر فرزندآوری دارد را استخراج نموده تا با آشنایی و مدیریت آسیب‌های ناشی از آنان، از پیری جمعیت کشور جلوگیری گردد.

جمعیت، منبع قدرت یک کشور بوده و رکن مهمی برای پیشرفت و توسعه آن محسوب می‌گردد. اما با وجود اهمیت جمعیت که ناشی از تأثیرگذاری آن در رشد اقتصادی و فرهنگ کشور است و با عنایت به آن که آثاری همچون تضعیف قدرت نظامی و کاهش رونق اقتصادی که در نتیجه پیری جمعیت و کاهش نسل جوان به وجود خواهد آمد؛ بررسی‌های آماری، حاکی از روند نزولی جمعیت در کشور است. از سوی دیگر کاهش جمعیت یک مسأله چند بُعدی و پیچیده محسوب شده و عوامل مختلفی از جمله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روانشناختی و غیره توانسته بر آن تأثیرگذار باشد و از آن جایی که در سال‌های اخیر دسترسی مردم به انواع ابزارهای ارتباطی مانند ماهواره و فضای مجازی سبب نفوذ سبک زندگی و فرهنگ غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی زندگی آنان شده؛ سبک زندگی غربی می‌تواند به عنوان یکی از این عوامل تأثیرگذار بر فرزندآوری مورد بررسی قرار گیرد.

هدف کلی از این پژوهش، بررسی نقش سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری در جامعه و هدف کاربردی آن استخراج مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی غربی است که تأثیر مستقیمی بر نگرش زوجین نسبت به فرزندآوری داشته تا با آشنایی و مدیریت آسیب‌های ناشی از آن، از روند نزولی جمعیت جلوگیری گردد لذا نتایج این پژوهش می‌تواند برای ارگان‌هایی از قبیل وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، دفتر امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و ستاد ملی جمعیت مفید واقع گردد.

این پژوهش به دنبال پاسخ به سوال اصلی، نقش سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟، است و همچنین نقش لذت‌گرایی و رفاه فردی بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟، نقش مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟، نقش نفع‌گرایی و فردگرایی بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟، نقش اشتغال زنان بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟، نقش ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه‌ی مادری بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟، نقش تضعیف باورهای دینی و سکولاریسم بر کاهش فرزندآوری در جامعه چیست؟ سوالات فرعی این پژوهش هستند. در پژوهش‌های پیشین اسکندرلو (۱۳۹۹) با پژوهشی تحت عنوان «سبک زندگی اسلامی و غربی (مبانی و رویکردها)»، مبانی سبک زندگی اسلامی را در سه بخش ایمانی و گرایشی، رفتاری و فرهنگی اجتماعی و مبانی سبک زندگی غربی را نیز در سه بخش لذت‌گرایی، قدرت‌گرایی و نفع‌گرایی بررسی کرده اما به تاثیر این مبانی بر فرزندآوری اشاره‌ای نکرده است. صالحان (۱۴۰۱) با پژوهشی تحت عنوان «نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری» به بررسی شاخصه‌هایی که می‌تواند در کاهش فرزندآوری مؤثر باشد پرداخته اما فقط برخی از این شاخصه‌ها از جمله اصالت لذت و رفاه فردی، مصرف‌گرایی به سبک نظام سرمایه‌داری، ترویج دیدگاه فمینیسم، تحقیر خانه‌داری و جایگاه مادری را بررسی کرده است که با توجه به اهمیت و ضرورت عنوان؛ باید به شکل کامل‌تری بدان مهم پرداخته و مواردی مانند اشتغال زنان نیز بررسی گردد. پروینیان و همکاران (۱۳۹۷) با پژوهشی تحت عنوان «سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه مورد شهر قزوین» به بررسی سبک امروزی زنان که متأثر از عملکردها، نگرش‌ها، رفتارها، بینش‌ها، سلاقی و فعالیت‌های روزمره آنان است، پرداخته و پس از یک تحقیق میدانی به این نتیجه رسیده‌اند که سبک زندگی امروزی زنان با فرزندآوری در تعارض است اما به بررسی شاخصه‌های سبک زندگی غربی و تأثیر آن بر کاهش فرزندآوری نپرداخته‌اند. جوکار (۱۳۹۳) با پژوهشی تحت عنوان «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران» به بیان روند تاریخی مدرنیته در ایران و چگونگی تأثیر شاخصه‌های آن در طی زمان بر کاهش فرزندآوری پرداخته اما تنها به بیان بعضی از این شاخصه‌ها مانند تغییر بینش اعتقادی، ترویج مصرف‌گرایی، افزایش سن ازدواج، اشتغال زنان و ترویج اندیشه‌های فمینیستی مبنی بر تحقیر نقش مادری بسنده کرده که با عنایت به اهمیت عنوان، جای داشته که به شکل کامل‌تری بدان مهم پرداخته و شاخصه‌هایی مانند فردگرایی و لذت‌گرایی نیز بررسی گردد. اکبری (۱۳۹۵) با پژوهشی تحت عنوان «سبک زندگی و تمایلات فرزندآوری» به بررسی مقایسه‌ای، میدانی و آماری میان انواع سبک زندگی و تأثیر آن بر تمایل افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری پرداخته اما با توجه به اهمیت فرزندآوری و نقش به‌سزای سبک زندگی غربی بر آن جای دارد تا به شکل توصیفی

نیز بررسی گردد. با عنایت به آنچه ذکر شد می توان نتیجه گرفت که با توجه به تأثیرگذاری سبک زندگی بر فرزندآوری در این زمینه پژوهش های متعددی صورت گرفته اما پژوهش در حوزه سبک زندگی غربی محدود تر بوده لذا در زمینه سبک زندگی غربی و نقش آن بر فرزندآوری جای کار بسیار وجود دارد که در این مجال بدان مهم پرداخته شده است. جمع آوری اطلاعات این مقاله به شکل کتابخانه ای بوده و شیوه ی نگارش نیز به شکل توصیفی است.

۱. مفهوم شناسی

در هر پژوهشی، تبیین معنای واژگان کلیدی، اقدامی سودمند، بلکه ضروری محسوب می شود؛ بدین جهت، قبل از پرداختن به مباحث اصلی، به تبیین معانی واژگان پیش روی پرداخته می شود.

۱.۱. سبک

واژه ی سبک در لغت به معنای فلز ذوب شده ی در قالب ریخته، طرز، شیوه و روش خاصی که شاعر یا نویسنده، ادراک و احساس خود را بیان نموده، آمده است. (معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۲۷) تعریف لغوی دیگری سبک را روش خاص، ادراک، طرز تعبیر و بیان افکار به وسیله ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ دانسته که ادبای قرن اخیر آن را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم و نثر» استعمال کرده و تقریباً آن را در برابر واژه ی استیل اروپاییان نهاده اند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲) و در اصطلاح آن را مجموعه ای از امور دانسته اند که به زندگی انسان اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی مربوط گشته؛ اموری نظیر بینش ها، گرایش ها که ذهنی و درونی بوده و همچنین اموری نظیر وضعیت جسمی، فعالیت های اقتصادی و موقعیت های اجتماعی که عینی و بیرونی محسوب شده اند. (رستمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴)

۱.۲. سبک زندگی

سبک زندگی تعبیری متشکل از دو واژه ی «سبک» و «زندگی» است که بار معنایی ویژه ای داشته و صاحب نظران در تعریفی آن را حکایت کننده از مجموعه ای از عناصر، ویژگی ها و مؤلفه ها دانسته اند که به گونه ای نظام مند با هم ارتباط داشته و یک کل را به وجود آورده اند. (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۴) و در تعریف دیگری گفته اند تعبیر سبک زندگی، مجموعه ای از عرصه ها، رفتارها و گفتارها در حوزه های مختلف فردی، خانوادگی، ملی و بین المللی است که در ابعاد گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و غیره زندگی نهادینه گشته است. (محمودی، ۱۳۹۵، ص ۴) در تعریف دیگری از آلفرد آلر دانشمند غربی؛ سبک زندگی، مشی کلی فرد به منظور رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات است. به اعتقاد او درخت سبک زندگی دارای ریشه هایی در کودکی بوده که نگرش های متعدّد فرد را تحت تأثیر خود قرار داده و تعیین کننده ی چگونگی به انجام رساندن وظایف زندگی گشته است. (کاوپانی، ۱۳۹۲، ص ۸۸)

۱.۳. سبک زندگی غربی

منظور از غرب و سبک زندگی غربی یعنی سبکی که فرهنگ و مبانی زندگی در آن، مادیات، انسان محوری، دوری از خدا و آزادی مطلق محسوب شده و اعتقاد به معنویات و زندگی پس از مرگ (معاد) در آن جایگاهی نداشته است. (رضایی و مهدوی نیا، ۱۴۰۰، ص ۶) در تعریف دیگری سبک زندگی غربی، فرهنگی با مبانی مادی گرایی، فردگرایی، اصالت لذت حیوانی و استفاده از عقل ابزاری دانسته شده و این تفکر در آن جاری است که انسان مسخ شده باید جای خدا را گرفته و به صورت موجودی صاحب علم، اراده و قدرت، همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد. (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۵) همچنین آن را مجموعه ای از سلايق، ارزش ها، هنجارها و طرز تلقی ها تعریف کرده اند که بر پایه اومانيسم و انسان محوری بنا نهاده شده و در آن انسان به عنوان عقل کل هستی مطرح گشته و فارغ از سایر محدودیت ها از جمله وحی و دین عمل خواهد کرد. (دلداري، ۱۴۰۰، ص ۴)

۱.۴. جمعیت

واژه ی جمعیت در لغت به معنای انجمن شدن، گرد هم آمدن و همگروهی آمده است. (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۲۳) و در علم جمعیت شناسی، به تجمعی از افراد انسانی که در منطقه ای (شهر یا روستا) به صورت خانواده ها یا خانوارها زندگی کرده، جمعیت گفته شده است. از میان فرآیندهای مؤثر بر تغییر جمعیت می توان به باروری، مرگ و میر، مهاجرت، ازدواج و وقایع اجتماعی مانند جنگ و انقلاب اشاره نمود. رشد جمعیت نیز تحت تأثیر ورود و خروج افراد به جمعیت است لذا هر سه عامل مرگ و میر، باروری و مهاجرت بر میزان رشد جمعیت مؤثر بوده اند. (پارک، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶۹)

۱.۵. فرزندآوری

فرزندآوری یکی از مهم ترین مؤلفه های علم جمعیت و از جمله موضوعاتی است که در حوزه مسائل اجتماعی، توجه زیادی را به خویش معطوف داشته و به معنای گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین خانواده ها تعریف شده است. (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۹)

۲. تأثیر شاخصه های سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری

سبک زندگی هر فرد و جامعه ای، اثرپذیر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش های حاکم بر آن فرد و جامعه است و مسلماً سبک زندگی غربی نیز از این مقوله جدا نیست. لذا جهت آشنایی بیشتر با سبک زندگی غربی ضمن بیان مهم ترین شاخصه های آن که بر اساس جهان بینی مادی و غیرالهی شکل گرفته به بررسی تأثیر این شاخصه ها بر کاهش فرزندآوری پرداخته خواهد شد.

[ER4] Commented: حذف تیتیر زیر انجام شد.

شاخصه های سبک زندگی غربی

و تیتیر خواسته شده جایگزین شد.

(جداسازی شاخصه ها و ذکر تاثیرات آن ها که گفته بودید منطقی نیست، اصلاح شد.)

۲.۱. تأثیر فردگرایی و نفع گرایی بر کاهش فرزندآوری

فردانگاری حالتی است که فرد تعلقات اجتماعی و خانوادگی را نخواهد پذیرفت، مگر این که به سودش باشد. چنین فردی به تدریج خانواده گریز یا خانواده ستیز خواهد شد. بنابراین در ابتدای امر فرد از خانواده گسترده و فامیلی دور شده و به سوی خانواده هسته ای آمده و سپس از خانواده هسته ای نیز کم کم دور شده و به سمت تجرد تمام عیار سیر خواهد کرد و همه چیز حول منفعت او چرخیده و خیرخواهی اجتماعی و خانوادگی معنا نخواهد داشت. (پارسا، ۱۳۹۲، ص ۱۲) در این حالت، سود و منفعت نقش مهمی در زندگی انسان داشته که برحسب آن امکان ندارد؛ فرد گرسنه باشد و غذایش را به دیگری ببخشد؛ حب دنیا داشته باشد و خود را به کشتن دهد و لذا کارهایی از قبیل انفاق، ایثار و... حماقت است و کارهایی که به سود دیگران باشد، معنا نداشته مگر اینکه بیش از سودی که به دیگری رسیده، به خود شخص برسد. (رفیعی، ۱۳۹۱، ص ۷) فردگرایی نتیجه ی تحوّل خانواده گسترده به خانواده ی هسته ای و به معنای اولویت قائل شدن برای خواسته ها و ارزش های فردی به جای ارزش های جمعی است. (افرا و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۹) در سبک زندگی غربی با تضعیف شدید نظارت خانواده و جامعه بر فرد، تأمین نیازهای فردی بر مصالح خانواده و انتظارات جامعه ترجیح داده شده است. از این رو رشد فزاینده ی فردگرایی صورت نوینی از زندگی خانوادگی را به وجود آورده که در آن انسان منافع شخصی خود را بر منافع جمعی ترجیح داده و نفع گرا گشته است. (سرایبی، ۱۳۸۷، ص ۴) آن چه توانسته توسعه فردگرایی را به مسأله تبدیل نماید، این است که خودمحوری، خودخواهی و طرز تفکر سودگرانه ناشی از عقلانیت ابزاری در خانواده، موجب گشته که سرمایه ی انسانی کاهش یافته و خانواده از عهده ی قبول و انجام بسیاری از کارکردهای طبیعی باز ماند. (چپل، ۱۳۸۸، ص ۲۶) منفعت طلبی نیز ریشه در حب ذات داشته و یکی از وسایل پیشرفت امور زندگی بشری است اما وقتی به دیده ی افراطی و به مثابه ی یک هدف به آن نگریسته و به جای حق گرایی نشانده شود، ارزش های انسانی را تنزّل خواهد داد. (اسکندرلو، ۱۳۹۹، ص ۱۶) یکی از برجسته ترین تغییراتی که متأثر از فردگرایی و در نتیجه ی آن نفع گرایی در نهاد خانواده به وجود آمده، کاهش اهمیت فرزندآوری و رواج خانواده های تک فرزند یا بدون فرزند است. فرهنگ مدرنیته از طریق ترویج فردگرایی شرایطی را به وجود آورده که افراد از لحاظ ذهنی و فرهنگی به سمت توجه بیشتر به نیازها و امیال سوق یافته اند تا اینکه زندگی شان را صرف فرزندآوری نمایند. (افرا و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۴) لذا فرزندآوری برای والدین فردگرا و نفع گرا یعنی اهمیت بهرورزی موجودی ضعیف تر و وابسته که برخلاف آسایش و راحتی خود فرد است و همواره باید بخاطر او از استقلال ترجیحات خود چشم پوشی کرد و از همه دردناک تر این که فرزندآوری یعنی قبول این وابستگی به مدتی نامعلوم و ورود به تعهدی فسخ ناپذیر که با سیاست غربی همخوانی

نخواهد داشت. (باومن، ۱۳۸۴، ص ۸۰) در نتیجه ی افول ارزش های مرتبط به فرزندآوری و رشد ارزش های فردگرایانه منفعت طلبانه بین افراد، جامعه شاهد کاهش باروری و همچنین کاهش اهمیت فرزندآوری بوده است. (چیل، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱)

۲.۲. تأثیر مصرف گرایی و تجمل گرایی بر کاهش فرزندآوری

جامعه ی غربی، تحت تأثیر نظام سرمایه داری اداره شده و ذات نظام سرمایه داری مبنی بر سود آوری و مصرف گرایی است لذا هر روز ذائقه های مردم در خصوص مصرف کالاها تغییر می کند؛ به عبارت دیگر مصرف گرایی بی رویه، ناشی از نیازهای واقعی مردم نیست؛ بلکه ناشی از نیازهای کاذبی است که به صورت های مختلف بر آنان تحمیل شده است. در جوامعی که روح سرمایه داری بر آن ها غلبه پیدا کرده؛ میل و هوس، بیشتر تظاهر بیرونی یافته و بحث نیاز کمتر نمود پیدا می کند. این تغییر دائمی نشان داده، که گرایش به مصرف گرایی و تجمل گرایی، ریشه در وجود افراد نداشته، بلکه بیشتر تحت تأثیر فشارهای بیرونی ایجاد گشته است. (صادقی، ۱۳۹۶، ص ۳) به عبارت دیگر نگاه سودجویانه و منفعت طلبانه ی غرب به زندگی باعث گردید که به مصرف گرایی و تنوع طلبی شدید روی آورد؛ به گونه ای که مصرف انبوه، باعث تولید انبوه شده و تولید انبوه راهکاری برای حداکثرسازی سود محسوب گردد لذا تولیدکنندگان برای دستیابی به سود بیشتر از طریق اشاعه نیازهای کاذب، تبلیغات گسترده در وسایل ارتباط جمعی و حراج های متعدد به ترویج مصرف گرایی دست زده و در نتیجه انسان غربی بدون نیاز واقعی، مشغول خرید گشته و در واقع این مصرف گرایی و تجمل گرایی بوده که به سبک زندگی آنان جهت داده است. (منگالی، ۱۳۹۶، ص ۹) مصرف گرایی، نوعی ایدئولوژی بوده که در قالب رفتارهای مسرفانه نمود یافته است. مدعای ایدئولوژی نهفته در مصرف گرایی، این است که خوشبختی این جهانی، چیزی جز قدرت و امکان بهره برداری پیاپی از کالاها و خدمات متنوع و ارضا کننده نیست. (شرف الدین، ۱۳۹۴، ص ۵) امروزه مصرف گرایی بخشی از هویت اجتماعی انسان مدرن را شکل داده؛ به گونه ای که خانواده های جدید با مصرف، هویت سازی و هویت نمایی شده اند. در مصرف گرایی نوین، با بالا رفتن معیارهای زندگی، افراد هیچ توجهی به قدرت خرید خود نکرده و حتی افرادی که نتوانسته اند به ثروت مناسبی دست یابند، از خریدهای اسراف گونه استقبال کرده اند. (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۱۳) روشن است که در چنین فضایی با فراگیر شدن سبک زندگی مصرفی، برای پذیرش فرزندان بیشتری، که مصرف دیگر اعضای خانواده را در تنگنا قرار خواهند داد، جای کمتری باقی مانده است. افزون بر این، در چنین شرایطی فرزندآوری هر چه بیشتر، به احساس محرومیت خانواده هایی دامن خواهد زد که نتوانسته اند در آوردگاه مصرف، به ایفای نقش بپردازند. (چراغی، ۱۴۰۰، ص ۱۷) لذا از آن جایی که یکی از ویژگی های دوران جدید، مصرف گرایی و افزایش لذت از زندگی به

عنوان یک هدف است؛ این هدف، اغلب از خلال فرزندآوری کمتر مد نظر قرار گرفته و زمینه ساز کاهش باروری شده است. (سیدمیرزایی، ۱۳۷۷، ص ۷) تجمل گرایی نیز به معنای میل، رغبت و علاقه ی افراطی به تجملات و توجه به ظواهر زندگی تعریف شده (فصیحی زاده و برجی نژاد، ۱۴۰۰، ص ۲) و از دید جامعه شناسان تأثیرگذاری آن بر جمعیت خانواده در سه بعد قابل بررسی است؛ در بعد اول تجمل گرایی موجب نفوذ روح اشرافی گری در جامعه و فاصله گیری از ساده زیستی گشته که خود سطح توقعات هر یک از افراد آماده ی ازدواج و خانواده های آن ها از خود و طرف مقابل را بالا برده که در نتیجه ی آن جامعه شاهد سخت گیری در تعیین معیارها و شرایط ازدواج و مادی گرایی در ازدواج بوده است و سپس مجموعه ی این عوامل باعث کم شدن آمار ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، بالا رفتن آمار فسادهای اخلاقی و فرزندان بی سرپرست در جامعه و در نهایت کاهش جمعیت شده است. (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۴) در بعد دوم تجمل گرایی سبب عدم تمایل به داشتن بیش از یک فرزند خواهد شد؛ زیرا خانواده هایی که درگیر تجمل گرایی و استفاده ی افراطی از وسایل تزئینی شده اند؛ توقع دارند بالاترین و بهترین امکانات برای فرزندشان فراهم باشد و همواره ترس از اختلال آسایش و رفاه مادی و تجملاتی در صورت فرزندآوری با آنان همراه است که همین امر موجب رواج الگوی تک فرزندی در جامعه و در نتیجه کاهش جمعیت گشته است. در بعد سوم تجمل گرایی با بالا بردن سطح توقعات هر یک از همسران، منجر به اختلافات خانوادگی منتهی به طلاق شده است. طبق نظر کارشناسان، اغلب این بحران ها در سه ساله ی اول زندگی مشترک بروز کرده، که این امر سبب گشته تا پیش از ورود فرزندان به عرصه ی خانواده، کانون خانواده برچیده و اختلال جدی در رشد جمعیت به وجود آید. (همان، ص ۵)

۳.۲. تأثیر لذت گرایی بر کاهش فرزندآوری

نگاه غرب به انسان، نگاهی انسان محورانه و بشرسالارانه بوده و بی گمان این نگاه با خود اجزایی را به همراه داشته که سبک زندگی غربی را ساخته است. در این نگاه، هدف از زندگی انسان کسب لذات مادی است و این انسان باید بتواند از زندگی مادی و دنیوی خود بیشترین لذت را ببرد. مطلوب نهایی این انسان، زندگی اقتصادی و در سایه آن کسب رفاه و سود بیشتر است؛ بنابراین اقتصاد، دانش پایه شده و تنظیمات عرصه های دیگر از جمله خانواده باید بر مبنای اهداف اقتصادی انجام گردد. در نتیجه مفهوم و معنای تشکیل خانواده حول این محور شکل گرفته و زن و مرد مانند دو شریک کاری برای افزایش منافع مادی خود کار خواهند کرد و ممکن است در جایی به این نتیجه برسند که به صرفه نیست با هم باشند و یا صاحب فرزند شوند و حتی مباحث کنترل جمعیت نیز در همین فضا مطرح شده و زیر مجموعه اقتصاد قرار گرفته است. (رفیعی، ۱۳۹۱، ص ۷) لذت گرایی یا اصالت لذت یعنی غایت انسان در اعمال و کردارش لذت بردن محض

Commented [ER6]: رفاه فردی حذف شد.

است؛ و از آن جایی که سعادت واقعی فرد به معنای برخورداری هر چه بیشتر او از لذت قلمداد شده پس باید به هر شکل و به هر طریقی از مدت زمان عمر خود برای لذت بردن استفاده نماید. (مور، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵) در مکتب لذت گرایی عنوان شده که لذت بردن فاعل عمل، ارزش ذاتی خواهد داشت و از آن جایی که انسان طبیعتاً طالب لذت است و از رنج و درد گریزان بوده پس هر فرد، خوشی و لذت خود مطلوب و هدفش است و رنج و ناراحتی خود را نخواهد خواست. بر این پایه، ارزش ذاتی و منشأ مطلوبیت، لذت خود فرد محسوب شده و در نتیجه کاری که برای فاعل لذت بخش باشد ارزش مثبت داشته و باید صورت گیرد و کاری که برای فاعل وی رنج آور است؛ ارزش منفی داشته و نباید انجام گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲) رفاه نیز به بهره مندی و التذاذ فرد، از آن سنخ امکانات زندگی که آلام جسمی و روانی و استرس ها و بیم ها را به حداقل رسانده و رسیدن انسان به اهداف زندگی در حوزه هایی نظیر بهداشت و سلامت، وجود روانشناختی و وجود معنوی انسان، خدمات اجتماعی، بیمه های مختلف، اشتغال، آموزش، اوقات فراغت، برنامه های تفریحی، فعالیت های اجتماعی داوطلبانه، ازدواج موفق، روابط صمیمی با بستگان، محیط های فیزیکی مثل خانه، محل کار، مدرسه و... را میسر ساخته، تعریف شده است. (حمیدیه، ۱۳۹۱، ص ۲۰۳) باید توجه داشت که در گذشته انگیزه افراد برای ازدواج، مصالح خانوادگی بوده اما در جهان مدرن با فردی شدن تمایلات، آنچه اولویت داشته، لذت های فردی است. با اولویت یافتن این انگیزه، دیگر فرزندآوری توجیه عقلانی نخواهد داشت؛ زیرا نه تنها کارکرد مثبتی نداشته، بلکه مانعی بر سر راه لذت و رفاه فردی قلمداد خواهد شد. زمانی که اصل لذت گرایی و رفاه فردی در خانواده حاکم باشد، باور انسان مدرن به گونه ای شکل خواهد گرفت که خانواده یک قلمرو شخصی است که در آن نزدیکی و صمیمیت عاطفی و جنسی همسران و در نتیجه لذت، رفاه و آسایش هر یک بر هر چیز دیگری اولویت خواهد داشت. در نتیجه روشن است که با غلبه و توسعه ی اصل لذت خواهی و رفاه فردی، افراد کمتری زیر بار ازدواج رفته و در صورت تشکیل خانواده نیز از داشتن فرزند سر باز خواهند زد؛ زیرا با تولد فرزند از برخی لذت ها و جنبه های رفاهی افراد کاسته خواهد شد. (چراغی، ۱۴۰۰، ص ۹)

۲.۴. تأثیر تضعیف باورهای دینی بر کاهش فرزندآوری

دین در شکل گیری نظام معنایی خانواده نقش مهمی داشته اما روند تضعیف باورهای دینی در این نظام معنایی، شدت گرفته و باید علت آن را در تعدد منابع معنادهنده به ارزش ها یافت؛ به عبارت دیگر تعدد الگوهای هویت ساز، سبب ظهور نظام ها و هنجارهای اخلاقی متعدّد در خانواده شده است. اگر چه در بنمایه های زندگی خانواده ها می توان حضور ارزش های دینی را مشاهده نمود و آنچه در فرهنگ غربی دین زدایی از جامعه و خانواده نامیده شده هنوز روی نداده اما در مواردی از الگوهای زندگی مدرن متأثر

ER7] Commented: سکولاریسم و مطالب مربوط به آن حذف شد.

گردیده و رگه هایی از عرفی شدن را می توان در بخشی از تعاملات خانواده ها مشاهده کرد که همین امر زمینه ی کاهش باروری را فراهم آورده است. عرفی شدن، فرآیندی است که براساس آن اندیشه دینی، اعمال دینی و نهادهای دینی، نقش و اهمیت اجتماعی خود را از دست داده و مظاهر دینی در اجتماع حذف و یا کاهش یافته و بدون حضور دین، باید به تدبیر امور پرداخت. (بیات، ۱۳۸۱، ص ۳۲۹) تبیین رابطه بین عرفی شدن و ضعف باورهای دینی و کاهش باروری، جنبه ها و ابعاد گوناگون، پیچیده و به هم پیوسته ای داشته است. از یک سو، گسترش حوزه رفتارهای عرفی مانند شکسته شدن حریم های بین محرم و نامحرم و شکل گیری روابط آزاد، انگیزه جوانان را برای ازدواج کاهش داده و یا دست کم به تأخیر انداخته و زمینه ساز کاهش باروری شده است و از سوی دیگر، عرفی شدن موجب ضعف باورهایی شده که در جامعه سنتی، یکی از کارکردهای آن، افزایش باروری بوده است؛ برای نمونه می توان به اعتقاد به رزاقیت خداوند در خصوص ازدواج و نیز فرزندآوری اشاره نمود که همین باورها، موجب شده بود که افراد راحت تر ازدواج کرده و با آرامش قلبی بیشتری دست به فرزندآوری بزنند. اما با ضعیف شدن باورهای دینی، ازدواج به گردنه ای کمرشکن و فرزندآوری به فرآیندی هزینه ساز و بدون منفعت تبدیل شده است. بی شک این چنین اندیشه هایی که بازتاب ضعف باورهای دینی است، توانسته کاهش باروری در خانواده را رقم بزند. (چراغی، ۱۴۰۰، ص ۹) همچنین نفوذ سکولاریسم غربی و تفکرات الحادی آن که منجر به کاهش دلدادگی به شناخت دین و کاهلی در سرسپردگی به دستورات دینی شده؛ برای رسیدن به منافع خود تلاش کرده تا خانواده از هر ارزشی که دنیای مادی انسان ها را بی ارزش جلوه داده، دست بکشد. از این رو بر انسان سکولار لازم است برای تحقق آرمان لذت بیشتر در خانواده، به دنبال استقلال بخشیدن به عقل محض و محور قرار دادن آن در تمامی تصمیم گیری ها باشد تا دین و اخلاق مبتنی بر دین، تضعیف و در نهایت ویران گردد. این روند را سکولار کردن خانواده نامیده اند. (عنوانی، ۱۳۹۲، ص ۴) سکولاریسم با تشویق تجرد زیستی و ارضای جنسی بدون تشکیل خانواده و مشکل جلوه دادن تشکیل خانواده، بر باروری تأثیرگذار بوده؛ زیرا آزادی بی قید و شرط و ارضای بی دغدغه و بدون محدودیت نیاز جنسی، یکی از رویکردهای سکولار به زندگی است. از سوی دیگر، با گسترش رویکرد سکولار، آزادی وسیع روابط جنسی میان زن و مرد پدید آمده و این آزادی، نوعی روابط جنسی را رقم زده که متناسب با فرزندآوری نبوده؛ روابطی که از آن ها با عناوینی همچون هم خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج و همجنس گرایی یاد شده است. طلاق نیز از پیامدهای رویکرد سکولار به خانواده محسوب شده که موجب کاهش باروری گشته است و لذا از زمانی که جهان بینی سکولاریسم فراگیر شده، دیگر دلیلی برای پذیرش محدودیت های ازدواج و تن دادن به مسئولیت های پدر

و یا مادر شدن باقی نمانده زیرا که خانواده و فرزندآوری مانعی جدی فرا روی ارضای لذت های افراد محسوب شده است. (ویتز، ۱۳۸۳، ص ۹)

۲.۵. تأثیر ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه ی مادری بر کاهش فرزندآوری

غرب با ترویج دیدگاه فمینیسم تلاش نموده زنان را متقاعد نماید که زایمان؛ زیبایی و سلامتی زن را به خطر می اندازد و فرزندآوری با آزادی و استقلال و تحقق هویتشان در تضاد است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵، ص ۸۸) و در نهایت با طرح عنوانی به نام «رشد زن» سعی در تغییر موقعیت زن داشته تا از ارزش های اخلاقی و اجتماعی ای که ریشه ی مذهبی دارد، جدا گردد. (همان، ص ۹۲) از سوی دیگر فمینیسم بر تحقیر وظیفه ی مادری و خانه داری زن پافشاری کرده و شعار آزادی زن از قید و بند مادری و خانه داری سر داده است؛ به طوری که اگر زن خانه دار باشد عقب افتاده تلقی می گردد و زن به ناچار مجبور شده نقش های مادری و همسری خود را قربانی نقش های اجتماعی اش نماید. (رضایی و مهدوی نیا، ۱۴۰۰، ص ۱۵)

فمینیست ها در زمینه ی تولید مثل اول به بارداری و تولید مثل و فناوری های پیشرفته آن توجه کرده و سپس به سقط جنین و حق زن در کنترل بدن خودش پرداخته اند. در نظر بسیاری از فمینیست ها، تولید مثل و مادری کردن، باری بر دوش زنان و بخشی از سرکوبی آنان محسوب شده که باید از سر راه برداشته گردد. این گروه فمینیست ها بیشتر فناوری های جدید را که فشار تولید مثل بر زنان را کاهش داده، کلید آزادی زنان دانسته اند اما در مقابل گروهی دیگر بر این باورند که تولید مثل و مادری یکی از بزرگترین لذت های زن بودن است و فقط باید آن را از کنترل جنس مذکر رهانید تا به یکی از مثبت ترین احساسات زنانه مبدل گردد. (چراغی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸ و ۱۲۹) در نظر گروه اول تقسیم بندی زیست شناختی که وظیفه باروری و فرزندآوری را به زنان سپرده باعث سرکوب زنان نیز شده است زیرا تولید مثل سر منشأ سلطه ی مردان بر زنان قلمداد شده و تنها راه آزادی حقیقی زنان نیز رهانیدن آنان از بار تولید مثل و از رهگذر فناوری های جدید است. (فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰) به نظر آنان زنان باید با استفاده از تکنولوژی خود را از قید و بندهای زیست شناختی شان آزاد نمایند به همین جهت فناوری های پیشرفته توانسته اند از راه آبستن شدن مردان، قید بچه داری را از گردن زنان بردارند. (کهریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳) اما در نظر گروه دوم زنان به جای گرفتن موضعی انفعالی در برابر بارداری و زایمان که باعث شده این تجربه برای آنان بیگانه ساز باشد باید با آن فعالانه برخورد کرده و شادی های بارداری را احیا کنند. (بستان، ۱۳۸۵، ص ۸۵)

به اعتقاد آن ها زنان نیازمند خانواده، همسر و فرزند است اما با این وجود آن ها تشابه حقوق زن و مرد در خانواده را لازم دانسته و آن را ترویج داده اند. (کهریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴) نتیجه این که در نگاه فمینیستی یک کودک، آزادی مادران را مقید ساخته و برای شادمانه زیستن و ایجاد فرصت های شغلی

برابر، باید «فرهنگ زندگی بدون فرزند و کنترل مولید» ترویج گردد و با این نگاه، خانواده و پیوندهای خانوادگی محکوم دیدگاه‌های فردگرایانه شده و هیچ ارزشی نخواهد توانست تمایلات فردی در مورد عدم تمایل به فرزند آوری و تولید مثل را مقید سازد. (همان، ص ۵) شایان ذکر است که فمینیست‌های افراطی برای رهانیدن زن از زیر بار مسئولیت پرورش فرزندان و استقلال فردی، سقط جنین را پیشنهاد داده‌اند تا زن هر موقع که بخواهد، بتواند جنین را از بین برده و خود را از تقیدات او رها سازد. (اچ یورک، ۱۳۸۷، ص ۴۵۷) به باور آنان ممنوع و محدود بودن سقط جنین از یک سو با آزادی زنان در کنترل بدن خود منافات داشته و از سوی دیگر با تحمیل وظیفه‌ی مادری سبب ساز استمرار ستم بر زنان و وابستگی زنان به مردان گشته است. (چراغی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶) به موازات گسترش اندیشه‌های فمینیستی و تحقیر وظیفه‌ی مادری که بر پایه‌ی نگرش‌های فمینیستی استوار بوده، گرایش به فرزند آوری کمتر و خانواده‌های بدون فرزند افزایش یافته است. (که‌ریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱)

۲.۶. تأثیر اشتغال افراطی زنان بر کاهش فرزندآوری

رویکرد غرب به کار و اشتغال، مبتنی بر سوددهی بیشتر است و انسان غربی تا زمانی مورد احترام است که باعث سود و خدمت بیشتر به جامعه‌ی سرمایه‌داری باشد و گرنه باید از گردونه‌ی اجتماعی خارج گردد و زنان نیز از این دیدگاه مستثنی نیستند. (همان، ص ۱۶) لذا حضور و مشارکت برابر زنان در محیط‌های کار بیرون از خانه و قرار گرفتن در کنار همکاران مرد به وقوع پیوست. حال آن که با توجه به عدم برابری قدرت جسمانی، فرصت‌های شغلی برابر برای زنان، افزایش خستگی بیش از حد و کاهش آستانه‌ی تحمل روانی ناشی از کار را برای آنان به ارمغان آورد. که در نتیجه‌ی آن فعالیت زنان در زمینه‌ی رابطه‌ی زناشویی و ارتباطات کلامی و روابط جنسی کمتر و مخاطرات فراوانی نیز در روابط خانوادگی آنان ایجاد گشت. (بستان، ۱۳۸۳، ص ۳۵) نظام سرمایه‌داری برای رسیدن به سرمایه‌ی بیشتر و نیروی کار ارزان قیمت، از موقعیت نامناسب زنان در کشورهای غربی سوء استفاده کرده و با ایجاد اشتغال کاذب در زن، با شعار مالکیت زن و دستیابی وی به قدرت و رها شدن از سیطره نظام مردسالاری، او را از خانه خارج نموده و به استخدام کارخانه درآورده است. دولت‌ها نیز به وضع قوانین در راستای اهداف سرمایه‌داری همت گماردند که نتیجه آن، اشتغال اجباری زن در خارج از منزل بوده است. (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۶۳) در نتیجه با توسعه فعالیت‌های اقتصادی زنان در خارج از خانواده دو پدیده‌ی مهم به طور همزمان شکل گرفته است. در درجه اول از اهمیت خانواده به عنوان مهم‌ترین هسته‌ی پایدار خانواده کاسته شده و پایه‌ی ازدواج و تشکیل خانواده لرزان گشته است و در درجه دوم به جهت ناهمخوانی بین وظایف اقتصادی و خانوادگی زنان، مخصوصاً در شرایطی که سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی نتوانسته‌اند آن قسمتی از وظایف سنتی زنان در خانواده را

که در شرایط اقتصادی نوین به آنان واگذار شده؛ به خوبی انجام دهند؛ کاهش فرزندآوری به عنوان راه حلی مناسب برای کاهش تضاد موجود بین نقش اقتصادی و خانوادگی زنان صورت گرفته است. (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲۰) در فرهنگ غربی، مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی باعث شده تا آنان سهم آشکار خود را در به حرکت در آوردن چرخ های اجتماعی دیده و احساس خودباوری و اعتماد به نفس در آنان ایجاد گشته و احساس وابستگی و نیاز به دیگران از بین رفته باشد. مهم ترین تأثیری که اشتغال زنان به دنبال داشته در مورد تولید مثل مطرح بوده و پژوهش ها حاکی از آن است که با اشتغال زنان، متوسط درآمد خانواده افزایش و سطح زندگی آنان بهبود یافته اما باروری روند نزولی داشته است. (شیخی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱) به عبارت دیگر افزایش میزان ورود زنان به بازار کار و پیدایش اشتغال به منزله ی جایگزین جدی نقش سنتی زنان به عنوان مادر و خانه دار نقش مهمی در کاهش باروری در جامعه ایفا کرده است. (فطرس و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴) لذا یکی از مهمترین مشغله های ذهنی سیاستگذاران اقتصادی و جمعیتی این بوده که از یک سو به مشارکت زنان در فرآیند توسعه ی اقتصادی نیاز مبرم وجود داشته و از سوی دیگر، روانه ساختن زنان به سمت بازارهای کار در مقابل کسب دستمزد به اهداف جمعیتی لطمه وارد نموده و ترکیب جمعیتی شناختی جامعه را از توازن خارج ساخته است. این دغدغه از آنجا منشأ گرفته که تجربه ی کشورهای غربی، تصویری از تباین آشکار میان اشتغال زنان و نرخ باروری را نشان داده است. بنابراین پیشبرد همزمان هر دو هدف یعنی به کار گرفتن زنان در عرصه ی اقتصاد و افزایش فرزندآوری برای جلوگیری از کاهش رشد جمعیت ممکن نخواهد بود مگر با اتخاذ رویه هایی که فرزندآوری را در کنار فعالیت شغلی تسهیل نماید. (مهربانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰) از جمله رویه های تسهیل کننده می توان به تجهیز و گسترش اماکن نگهداری و تربیت کودک، هدایت زنان به سمت مشاغلی که کمتر با زندگی خانوادگی تعارض داشته و اعطای مرخصی های طولانی مدت پس از زایمان که حداقل بخش قابل توجهی از آن همراه با دستمزد و حقوق باشد، اشاره نمود. (همان، ص ۲۱)

۳. نتیجه گیری:

از رهگذر تحلیل و بررسی موضوع نقش سبک زندگی غربی بر کاهش فرزندآوری در جامعه که با هدف استخراج مهم ترین شاخصه های سبک زندگی غربی که تأثیر مستقیمی بر فرزندآوری داشته اند، انجام گردید؛ این نتایج حاصل شد که سبک زندگی غربی که بر پایه اومانسیسم و انسان محوری بنا نهاده شده با فردگرایی و نفع گرایی، لذت گرایی و رفاه فردی، مصرف گرایی و تجمل گرایی، تضعیف باورهای دینی و سکولاریسم، اشتغال زنان، ترویج دیدگاه فمینیسم و تحقیر وظیفه ی مادری که از مهم ترین شاخصه های این نوع از سبک زندگی قلمداد شده اند؛ تأثیر مستقیمی بر کاهش فرزندآوری داشته است و لذا با شناخت

و مدیریت آسیب های ناشی از سبک زندگی غربی در جامعه؛ می توان از روند نزولی جمعیت کشور جلوگیری نمود. از مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش های مرتبط پیشین نیز مشخص شد که شاخصه های فردگرایی، تجمل گرایی و سکولاریسم که از شاخصه هایی غربی مؤثر بر فرزندآوری در این پژوهش بوده اند؛ در پژوهش های پیشین مورد ارزیابی قرار نگرفته اند. از آن جایی که بررسی ها حاکی از آن بوده که در سال های اخیر روند نزولی جمعیت شدت گرفته است و این کاهش تمایل خانواده ها به فرزندآوری می تواند متأثر از عوامل مختلفی از جمله اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، روانشناختی، اجتماعی و غیره باشد؛ پیشنهاد می گردد تا در پژوهش های آتی؛ تأثیرگذاری دیگر عوامل نیز در کاهش فرزندآوری مورد بررسی قرار گیرد.

منابع:

- ۱- اچ یورک، رابرت؛ در سراسیب به سوی گومرا؛ الهه هاشمی حائری؛ تهران: حکمت، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۲- اسکندرلو، محمد جواد؛ «سبک زندگی اسلامی و غربی (مبانی و رویکردها)»؛ دو فصلنامه قرآن و علم، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۹۹ ه.ش.
- ۳- افرا، هادی؛ ایار، علی؛ الیاسی، مجید؛ دانش، یونس؛ «اهمیت فرزندآوری در جامعه فردگرا»؛ نشریه پژوهش نامه زنان، سال سیزدهم، شماره دوم، ۱۴۰۱ ه.ش.
- ۴- اکبری، عصمت؛ سبک زندگی و تمایلات فرزندآوری؛ اصفهان: آشیانه برتر، ۱۳۹۵ ه.ش.
- ۵- باومن، زیگمونت؛ عشق سیال؛ عرفان ثابتی؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۶- بستان، حسین؛ اسلام و جامعه شناسی خانواده؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۷- بیات، عبدالرسول؛ درآمدی بر مکاتب و اندیشه های معاصر؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۸- پارسا، داوود؛ «تأثیر سبک زندگی غربی بر جامعه ایران»؛ مجله پژوهش های معنوی، شماره بیست و نهم، ۱۳۹۲ ه.ش.
- ۹- پارک، جان اورت؛ درسنامه طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی؛ خسرو وفائی، تهران: ایلینا، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۱۰- پروینیان، فریبا؛ ولی الله رستمعلی زاده، ولی الله؛ حبیبی، رضا؛ «سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال نهم، شماره چهارم، ۱۳۹۷ ه.ش.
- ۱۱- جوکار، محبوبه؛ «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»؛ پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۹۳ ه.ش.
- ۱۲- چیل، دیوید؛ خانواده ها در دنیای امروز؛ محمد مهدی لیبی، تهران: افکار، ۱۳۸۸ ه.ش.
- ۱۳- چراغی کوتیانی، اسماعیل؛ خانواده، اسلام و فمینیسم؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۱۴- _____؛ «تغییرات سبک ارزشی خانواده و نقش آن ها در کاهش باروری در خانواده ایرانی»؛ مجله معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره چهل و ششم، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۱۵- حسینی طهرانی، محمد حسین؛ کاهش جمعیت ضربه ای سمهگین بر پیکر مسلمین؛ مشهد: انتشارات مؤسسه ترجمه و نشر دوره ی علوم و معارف اسلام، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ه.ق.

- ۱۶- حمیدیه، بهزاد؛ **معنویت در سبک مصرف**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ه.ش.
- ۱۷- حیدری، کیانوش؛ «تجمل‌گرایی و تغییرات جمعیتی»؛ مجله پیام زن، شماره دویست و پنجاه و ششم، ۱۳۹۲ ه.ش.
- ۱۸- دلداری، فیروزه؛ «جامعه ایرانی و چالش سبک زندگی غربی در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای»؛ دو فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش نامه تبلیغ اسلامی، سال دوم، شماره ششم، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر؛ **لغت نامه**؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۲۰- رفیعی، عطاالله؛ «مقایسه سبک زندگی اسلامی و غربی از منظر انسان شناسی»؛ نشریه خراسان (گروه اندیشه)، شماره بیست و نهم، ۱۳۹۱ ه.ش.
- ۲۱- رستمی، محمد علی؛ **سبک زندگی (مقایسه مؤلفه های زندگی بشر در دوران غیبت و عصر حضور)**؛ قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۷ ه.ش.
- ۲۲- زنجانی، حبیب الله؛ **جمعیت و توسعه**؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱ ه.ش.
- ۲۳- سرایی، حسن؛ «گذار جمعیتی دوم با نیم گاهی به ایران»؛ فصلنامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره دهم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ۲۴- سید میرزایی، محمد؛ «انتقال جمعیتی، علل و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن»؛ پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره دوازدهم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۲۵- شرف الدین؛ حسین؛ «مصرف گرایی در سبک زندگی مدرن و دینی»؛ دو فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش نامه سبک زندگی مدرن، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۲۶- شیخی، محمد تقی؛ **جامعه شناسی جمعیت**؛ تهران: سفیر، ۱۳۷۲ ه.ش.
- ۲۷- صادقی، رضا؛ «تجمل‌گرایی در خانواده اسلامی و اثرات آن»؛ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۲۸- صالحان، حسنیه؛ «نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری»؛ فصلنامه علمی-تخصصی تبلیغ و خانواده، سال اول، شماره اول، ۱۴۰۱ ه.ش.
- ۲۹- عنوانی، حامد؛ «سکولاریزاسیون خانواده و تأثیر آن در کاهش جمعیت»؛ مجله معرفت، شماره صد و هشتاد و نهم، ۱۳۹۲ ه.ش.
- ۳۰- عیوضی، غلامحسین؛ «سبک زندگی تلویزیونی و مصرف»؛ نشریه زنان و خانواده، شماره شانزدهم، ۱۳۸۸ ه.ش.

- ۳۱- فریدمن، جین؛ **فمینیسم**؛ فیروزه مهاجر؛ تهران: آشیان، ۱۳۸۶ ه.ش.
- ۳۲- فصیحی زاده، طاهره؛ برحی نژاد، زینب؛ «آثار تجمل‌گرایی در خانواده اسلامی»؛ نشریه پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال چهارم، شماره ششم، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۳۳- فطرس، محمد حسین؛ نجمی، مریم؛ معمارزاده، عباس؛ «تحلیل ارتباط میان نرخ اشتغال زنان و میزان باروری»؛ مجله زن در توسعه و سیاست، دوره پانزدهم، شماره سوم، ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۳۴- کاویانی، محمد؛ **سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن**؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ه.ش.
- ۳۵- کلانتری، محمد؛ عباس زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق؛ راکعی بناب، ندا؛ «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن»؛ نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره اول، ۱۳۸۹ ه.ش.
- ۳۶- کهریزی، مهوش؛ حسینی زاده، علی؛ بستان، حسین؛ «چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راهکارهای آن»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، ۱۳۹۳ ه.ش.
- ۳۷- گارنر، ویلیام؛ **جنگ علیه خانواده**؛ معصومه محمدی؛ قم: دفتر مطالعات و تحقیق زنان، ۱۳۸۶ ه.ش.
- ۳۸- محمودی، اکبر؛ «بررسی جایگاه علم در سبک زندگی قرآنی»؛ دو فصلنامه قرآن و علم، شماره نوزدهم، ۱۳۹۵ ه.ش.
- ۳۹- مصباح یزدی، مجتبی؛ **فلسفه اخلاق**؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ه.ش.
- ۴۰- معین، محمد؛ **فرهنگ فارسی معین**؛ تهران: انتشارات آدنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۴۱- منگالی، زهرا؛ «بررسی تطبیقی سبک زندگی غربی و اسلامی»؛ مجله پژوهش‌های معنوی، شماره بیست و نهم، ۱۳۹۶ ه.ش.
- ۴۲- مهدوی نیا، نرگس؛ رضایی، مائده؛ «تأثیر اشتغال زنان بر کاهش جمعیت در سبک زندگی غربی و راه‌های برون رفت از آن»؛ دو فصلنامه علمی-اختصاصی میراث‌طاها، شماره نهم، ۱۴۰۰ ه.ش.
- ۴۳- مهربانی، وحید؛ «اشتغال زنان و روند باروری و رشد جمعیت در ایران»؛ فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دهم، شماره بیستم، ۱۳۹۴ ه.ش.
- ۴۴- مور، جرج ادوارد؛ **مبانی اخلاق**؛ غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ه.ش.

۴۵-ویتز، پل؛ «پاسخ دین و دولت در قبال بحران خانواده»؛ حامد عنوانی؛ نشریه سیاحت غرب، شماره نهم،
سال ۱۳۸۳ ه.ش.